



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

پنجشنبه ۳۰ جولای ۲۰۲۶

از لابلای کتاب ماندگار

"افغانستان در تلاطم تاریخ"

قسمت شست و سووم

کتاب ماندگار "افغانستان در تلاطم تاریخ" به قلم زیبای روانشاد "مرجان کمال" را بعد از یک وقفه طولانی ناخواسته، از سر گرفته و امیدوارم اینبار تا ختم کتاب آنرا ادامه داده بتوانم و معاذیری پیش نیاید. این کمترین قراریکه بار بار متذکر گردیده ام، این کتاب را با ولع و علاقه وافر مطالعه نموده و از مطالعه مکرر اندر مکرر آن هرگز خسته نشده و بر معلومات اندک و ناچیزم، هر بار افزود می گردد که روح و روان آن دخت بی بدیل افغان را شاد خواسته و یاد شانرا گرامی و همیشگی آرزو میکنم و با مطالعه هر سطر آن به احساسات پاک شان نسبت به وطن و هم وطنان، سرتعظیم فرود می آورم.

" تعریف پلان بدیل

«Alternative Livelihood Plan»

پلان کشت بدیل (ALP) عبارت از یک پروگرام انکشافی دهات است که دلالت به کم کردن وابستگی های زارعین و دهاقین در مقابل کشت کوکنار، توسط تطبیق یک طریقه نو و مناسب اقتصادی می باشد.

این پروگرام که از ماه مارچ سال ۲۰۰۵ میلادی تا مارچ ۲۰۰۶ میلادی برای مدت یک سال دوام خواهد نمود، بودجه آن یک مقدار هنگفت پول بود که عبارت از ۴۹۰ میلیون دالر تخمین می گردید. سه تمویل کننده اصلی، عمده و مهم، که به ترتیب اهمیت، عبارت بودند از پروگرام انکشافی ایالات متحده آمریکا (USAID) (۶۴ فیصد تمویل کننده) اتحادیه اروپا (۱۶ فیصد) تمویل کننده و دیپارتمنت انکشافی بین المللی انگلستان (۷ فیصد) تمویل کنندگان را تشکیل می داد.

از این پول 36 فیصد آن برای تمویل پروژه های کوچک، راساً به آژانس های که در پروگرام پروژه های مختلف تمویل بدیل کار می کردند، داده شد.

54 فیصد فوند برای پروگرام های ملی (Nationaux) تخصیص داده شد، پولی که به دولت افغانستان داده شد (Afghan Reconstruction Trust Fund) تا این پول جامعه بین المللی را برای پروژه های انکشافی وزارت خانه های مختلف تقسیم نماید که از جمله ادارات، زیادتین فوند به وزارت احیاء و انکشاف دهات اختصاص داده شد.

قرار راپور (UNDCP) دفتر ملل متحد مجادله علیه مواد مخدر و جرایم ،

(Office des Nation Unies de Lutte Contre la Drogue et la Criminalité)

سال 2005 میلادی، برای تهیه و فراهم کردن یک تعداد خط مش های بزرگ و برای به راه انداختن پروگرام های دو جانبه و یا کمک از طریق پروگرام های ملی اختصاص داده شد..."

در افغانستان برباد داده شده، از بامداد هفتم ثور ۱۳۵۷، یعنی از همان دقایق آغاز کودتای ننگین و خونین گماشتگان روسی در آن مرز و بوم، تمام معادلات سیاسی- نظامی و نیز اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و تاریخی و...، چنان برهم خورد که تا هم اکنون که بیشتر از چهار دهه از آن کودتای منحوس و ننگین و خونین میگذرد، هنوز هم به حال طبعی خود برنگشته است و عواقب خونین و ننگین و پلید آن کودتای روسی و بعد هم تجاوز ننگین تجاوزگران ددمنش روسی به کشور عزیز ما، که کودتاچیان شرف باخته هفتم ثوری آنرا "مرحله تکاملی انقلاب ظفر نمون ثور" نام گذاشته و به بدمستی و عربده کشی و قتل و کشتار آغاز کردند، تا هنوز هم دامن کشور و مردم شریف افغانستان را رها نکرده و این ملت و این مردم و این کشور هنوز هم در اثر عواقب بس ناگوار آن کودتا و آن تجاوز ننگین و خونین، در چنان منجلابی فرو و فروتر میروند که تاریخ نظیر آنرا کمتر شاهد بوده است.

پلان بدیل یا «Alternative Livelihood Plan» که خواهر دراک ما روان شاد "مرجان کمال" در مورد آن در کتاب ماندگار شان به تفصیل شرح داده اند و یک قسمت آنرا در بالا آوردیم، در اثر همان میراث شوم تجاوزگران روسی و غلامان بی مقدار شان، خلقی ها و پرچمی های شرف باخته و وجدان مرده، چنان به تاراج رفت که شب در میان یک مشت افراد و اشخاص معلوم الحال که از همان رژیم کودتا در رژیم های بعدی کرسی- غنی به مثل موریانه چسپیده بودند که آن کمک های سرشار را نارسیده به سرمنزل مقصود، شیره و شربت آنرا مکیده و به ریش حکومت های دست

نشانده، قهقهه می خندیدند، یکی از آن همه چپاولگران فردی بود بنام نامی "رشید دوستم"، ملیشه خونریز، ددمنش و بی سوادى که بارى معاون رئيس جمهور شد و چند چیز دیگر...

او در یکی از قصر های مفش خود در جوزجان یا بغلان، ده ها رأس آهو را نگهداری میکرد تا به مهمانان خارجی خود کباب ران آهو پیشکش کند و این در حالی بود که اکثر مردم مظلوم افغانستان به مشکل اگر غذای ظهر را برای فرزندان شان با هزار و یک مشکل آماده می ساختند که آنهم در اکثر مواقع نان و چای بود و بیشتر اوقات حتی قادر نبودند تا شکر خریداری کنند و...، و از غذای شب ماه ها خبری نبود که نبود و...، در چنان اوضاع و احوال و در چنان قحطی و قیمتی، آن ددمنش و خونریز و بی سواد، برای مهمان های خارجی خود، کباب آهو بره پیشکش میکرد و تحفه های گرانبها تقدیم می نمود و ده ها و صدها عسکر و بادیگارد و حشم و خدم دست بسته در خدمت داشت و به زمین و زمان فخر می فروخت. البته یکی از بسیار و ذره از خروار را در اینجا بگونه مثال ذکر کردیم و اگر اسما و نام های همه را برشمریم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد که از خیر آن میگذریم، ورنه عطا محمد نور، امیراسماعیل، فرزندان بی سواد برهان الدین جنگانی، فهیم قسم خادی- جهادی و فرزندان و برادران و...، اگر همه را برشماریم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد.

از ماه مارچ 2005 تا ماه مارچ 2006 حدود 490 میلیون دالر در آن ویران سرا به اصطلاح وطنی ما غارت و حیف و میل شد. در یک سال 490 میلیون دالر از در وارد شد و بلافاصله از دریچه خارج گردید و آب از آب تکان نخورد که هیچ، معتادین، معتادتر شدند و نه تنها از تعداد آنان کاسته نشد، بلکه روز تا روز بر تعداد آنان افزود گردید و در همان زمان و همان مکان، "پل سوخته" کابل شاهد مدعای ما بود که بعد ها در بعد از خروج نیروهای نظامی امریکا و ناتو و در بعد از سقوط حکومت دست نشانده شان در کابل، طالبان تمام معتادین را از زیر پل سوخته و دیگر اماکن، جمع آوری نمودند و پل سوخته پاک کاری و ترمیم گردید و معتادین را در مراکز ترک اعتیاد بستری نمودند و...، کاری که در بیش از بیست سال حکومت دست نشانده امریکا و متحدین با سرازیر شدن بلیونها دالر و پوند و یورو و...، صورت نگرفت و فقط حسابات بانکی یک مشت افراد و اشخاص در داخل و خارج از مملکت، مملوع از دالر و پوند و یورو گردید و یک مشت جنگ سالار صاحبان قصر های مفشن چندین منزله در کابل و دیگر ولایات افغانستان گردیدند که حتی در و پنجره های آن قصر های افسانوی ضد گلوله بوده و از امریکا و اروپا خریداری گردیده بودند.

ادامه دارد...